بازتاب

آیت‌الله صدیقی با تأیید ادعای زمین‌خواری در حوزه ازگل از جعل امضای خود خبر داد

ماجرای عجیب آقای صدیقی

شرق: در پی انتشار اسناد زمین‌خواری در فضای مجازی منتسب به آیت‌الله صدیقی، امام‌جمعه موقت تهران، او در نامه‌ای به دادستان تهران به این ادعا واکنش نشان داد و با تأیید اصل فساد رخ‌داده، از روند اجرائی این زمین‌خواری اظهار بی‌اطلاعی کرد. آیت‌الله صدیقی امام جمعه موقت تهران و رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر که ریاست سابق دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات را در رزومه خود دارد، دیروز در واکنش به اتهام زمین‌خواری، با رد اتهام منسوب به خود اصل ماجرا را متوجه فرد دیگری کرده است.

نگاهی اگر به گزارشی که چندی پیش در سایت یاشار سلطانی منتشر شده، بیندازیم، متوجه وخامت اوضاع می‌شویم. مدرسه علمیه امام خمینی در منطقه ازگل تهران که تحت تولیت کاظم صدیقی اداره می‌شود، باغی به مساحت چهارهزارو ۲۰۰ متر داشته است که قیمت روز آن، حدود هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. اما آبان ۱۴۰۲، شرکتی به نام «مؤسسه غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم» ثبت می‌شود و بعد از آن، اسناد مالکیت این باغ گران‌بها به نام این شرکت می‌شود. مالکان این شرکت کاظم صدیقی و چند نفر از پسران و دوستان او هستند و عروسش نیز بازرس شرکت است. مدرسه علمیه امام خمینی تهران در خیابان گلستان شرقی در منطقه یک تهران قرار دارد. این مجموعه در ۲۳ هزار متر زمین شامل برج‌باغ، ۲۵ واحد آپارتمانی خانه‌های مسکونی برای اساتید، مسجد، استخر، مجموعه ورزشی و ساختمان حوزه علمیه است. براساس تصاویر اسنادی که منتشر شده، به طرز عجیبی «مؤسسه غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم» یک ماه بعد از تأسیس صاحب چهارهزارو ۲۰۰ متر از زمین‌های مدرسه علمیه امام خمینی می‌شود. هرچند در اساسنامه مؤسسه به «غیرتجاری» بودن آن اشاره شده است، اما در شرح خدمات شرکت بیشتر فعالیت‌ها تجاری ثبت شده است. حضور نامی چون «جواد عزیزی» هم در ترکیب مؤسسان شرکت «پیروان اندیشه‌های قائم» جالب توجه است. او یکی از مدیران شهرداری تهران در زمان قالیباف است که حالا در ترکیب شرکتی حضور دارد که به عنوان اولین اقدام بخشی از زمین‌های یک حوزه علمیه را به نام خودش ثبت کرده است. او دارای چندین پرونده قضائی در زمان مسئولیتش در شهرداری تهران بود. به‌هر روی بر اساس اسنادی که به دست ما رسیده کاملا مشخص است که مالکیت بخشی از زمین‌های مورد بحث تا پیش از این با «مدرسه علمیه امام خمینی تهران» بوده و بعد از آن مالکیت این زمین‌ها به شرکت «پیروان اندیشه‌های قائم» رسیده است.

حال صدیقی در نامه‌ای که خطاب به دادستان نوشته است این‌چنین توضیح داده که «حوزه علمیه امام خمینی(ره) در چارچوب اساسنامه خود، سال‌ها قبل برای تمهید ورود نوجوانان و دانش‌آموزان علاقه‌مند به آموختن دروس دینی و حوزوی تصمیم به تأسیس مجموعه آموزشی و فرهنگی پیش‌حوزوی گرفته و برای تأسیس این مرکز اقدام به اخذ مجوزهای قانونی لازم نمود. بر همین اساس لازم بود تا مؤسسه‌ای وابسته به حوزه علمیه امام خمینی تأسیس گردد و بخشی از زمین متعلق به حوزه برای ایجاد این مرکز پیش‌حوزوی به آن مؤسسه منتقل شود. بر این اساس فردی به نام آقای **** که قبلا مورد اعتماد مجموعه بوده، مسئول پیگیری و انجام امور ثبت اداری مؤسسه شد. اما متأسفانه فرد مذکور با سوءاستفاده از اعتماد اقدام به تدوین و ثبت اساسنامه، جعل امضای این‌جانب، تسهیم سهام به آن کیفیت و بدون اطلاع تولیت، مدیر حوزه و برخی اعضا نموده و مع‌الاسف حتی بدون ورود و امضای این‌جانب و برخی اعضا ثبت این قضیه صورت پذیرفته است. بنابراین مؤسسه ثبت‌شده به کیفیتی که در رسانه‌ها انتشار یافت، بدون اطلاع این‌جانب و مدیریت حوزه و برخلاف اهداف مصوب آن به ثبت رسیده است. لذا این‌جانب کاظم صدیقی از جایگاه تولیت حوزه علمیه امام خمینی(ره) و به عنوان یک شهروند، بدون در نظر گرفته‌شدن سوابق قضائی و عناوین سیاسی اجتماعی استدعا دارم نسبت به ثبت شکایت رسمی از فرد مذکور و دیگر نقش‌آفرینان در این فقره، با عنوان جعل و خیانت در امانت اقدام فرموده تا ابعاد این مسئله برای عموم مردم عزیز ایران، خاصه مؤمنین روشن و شفاف شود».

البته اصولگرایان در مقام حمایت از صدیقی برآمدند و عبدالله گنجی فعال سیاسی اصولگرا هم در حمایت از صدیقی در شبکه ایکس نوشت: «نامه حاج آقا صدیقی را حمل بر صحت می‌گذارم. علتش اینکه پذیرفته است مدیریت خودش اشکال دارد و آماده پاسخ‌گویی قضائی است و به توجیه و انکار و جدل در موضوع رو نیاورده است. لذا افشاکننده با هر نیتی هم سوت زده باشد باید اول توسط خود صدیقی مورد تقدیر قرار گیرد». در همین راستا میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی و برادر داماد ابراهیم رئیسی در واکنش به حواشی اخیر کاظم صدیقی، امام جمعه تهران، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: با شکایت‌نامه روشنگر و متن پرهیزکارانه عالم زاهد و روحانی مجاهد، جناب آیت‌الله صدیقی، بازی‌های پشت صحنه به‌زودی روشن و شفاف خواهد شد. روحانیت انقلابی و ولایی کماکان آماج حملات دشمن است. باید مراقب بود و به موقع تبیین نمود، و البته خورشید حقیقت همیشه پشت ابر نمی‌ماند.

نامه صدیقی واکنش‌برانگیز شده و عباس عبدی هم در توییتی نوشته است: «اگر راست بگوید یک فاجعه تمام‌عیار از بی‌اطلاعی است، اگر دروغ باشد که صد بار بدتر، شاید فساد تحمل شود ولی با دروغ چه می‌توان کرد؟ چای دبش ضربه نهایی به شعارهای مبارزه با فساد بود و این به نماز جمعه، آزمون مهمی پیش‌روی دستگاه قضائی قرار گرفته است». بسیاری از کاربران فضای مجازی هم معتقدند انتقال چهارهزار و ۲۰۰ متر زمین با امضای جعلی کمی عجیب است و باورش سخت، بنابراین این سؤالات مطرح است که صدیقی یا فرزندان یا عروسش یا خلاصه یکی از نزدیکانش در پیروان اندیشه‌های قائم، از خود نپرسیدند نحوه نقل و انتقال این زمین چگونه بوده است؟ ممکن است چنین غافل باشند و صاحب چنین دارایی عظیمی شوند و از خود نپرسند روند کار چگونه بوده؟ و آیا او همچنان تا پایان رسیدگی قضائی همچنان امام جمعه موقت تهران باقی خواهد ماند یا خیر؟ به هرحال باید منتظر ماند و رسیدگی قضائی را زیر نظر گرفت زیرا همان‌گونه که عبدی گفته این پرونده آزمون بزرگ قوه قضائیه است و افکار عمومی بیش از این توان تحمل رفتارهای اعتمادزدا را ندارد و بعد از چای دبش و سکوتی که فعلا بر این پرونده حاکم شده انتظار برای فراموشی پرونده صدیقی منطقی نیست و مطمئنا افکار عمومی به دنبال توضیح و تصمیم دستگاه قضاست.

سال پیش‌رو و نگاهی به ۲ انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا و ایران

تک‌دوره‌ای‌ها یا دودوره‌ای‌ها

عبدالرحمن فتح‌الهی

سال ۱۴۰۲ با تمام فراز و فرودهایش، روزهای پایانی خود را سپری می‌کند. بی‌شک مهم‌ترین اتفاقی که سایه سنگینی بر حدود نیمی از این سال داشت، وقوع عملیات طوفان‌الاقصی و پس از آن، جنگ حماس و اسرائیل است که یقینا دامنه آن به ۱۴۰۳ هم کشیده خواهد شد و کماکان می‌تواند منشأ بسیاری از تحولات و اتفاقات دیگر در منطقه و جهان باشد؛ اما در کنار این موضوع، برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده آمریکا هم یقینا محل بحث و توجه بسیاری در سال آتی شمسی خواهد بود و هرچه به زمان برگزاری آن در ۵ نوامبر ۲۰۲۴ (۱۵ آبان ۱۴۰۳) نزدیک‌تر شویم، این انتخابات و برندگان و بازندگان آن به سرفصل جدی تحلیلی در محافل سیاسی و رسانه‌ای بدل خواهد شد؛ کمااینکه در یکی، دو ماه اخیر در سال ۱۴۰۲ هم طیفی از رسانه‌ها، کارشناسان و ناظران در کشور اذعان دارند که بیراه نیست اگر از حالا بخشی از واکنش‌های اقتصادی، بازخورد آمدن ترامپ به گردونه رقابت‌های ریاست‌جمهوری باشد؛ گزاره‌ای که معنای دیگر آن تک‌دوره‌ای‌شدن دولت جو بایدن است.

در سوی دیگر مشابه همین گمانه‌زنی‌ها درباره دولت ابراهیم رئیسی هم مطرح شده است و برخی از احتمال تک‌دوره‌ای‌شدن آن سخن می‌گویند؛ سناریویی احتمالی که هم کارشناسان، هم رسانه‌ها و حتی افکار عمومی شانس وقوع آن را کم نمی‌دانند. اتفاقا به دلیل تکرار مداوم این موضوع در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور تقریبا ارزیابی‌های مختلف و حتی متضاد درباره این گزاره می‌تواند محل جدل و بحث باشد که آیا انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده آمریکا در ۱۴۰۳ و هفت ماه پس از آن، برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۴ در ایران به تک‌دوره‌ای‌شدن دولت‌های جو بایدن و ابراهیم رئیسی منجر خواهد شد یا خیر؟

همه چیز به شرایط بستگی دارد

سیدجلال ساداتیان در گفت‌وگو با «شرق» و در پاسخ به این پرسش، به فاصله زمانی هشت‌ماهه تا برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و فاصله ۱۵ماهه تا انتخابات ریاست‌جمهوری ایران اشاره دارد و پیرو آن معتقد است «از هم‌اکنون نمی‌توان با قاطعیت از تک‌دوره‌ای‌شدن دولت‌های بایدن و رئیسی سخن گفت». سفیر اسبق ایران در انگلستان با یادآوری این نکته که «عالم سیاست، فضای به‌شدت سیال و پرشتابی دارد، متذکر می‌شود که کوچک‌ترین عامل منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند در مسیر انتخابات و تعیین برندگان و بازندگان نقش‌آفرین باشد»؛ بنابراین نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی تأکید می‌کند که باید منتظر روند تحولات بود. با این حال ساداتیان با درنظرگرفتن مسیری که تاکنون طی شده است، این سناریو را محتمل می‌داند که «با جدی‌ترشدن ناتوانی‌های جسمی، فیزیکی و ذهنی جو بایدن، دونالد ترامپ بتواند دوباره به کاخ سفید بازگردد»؛ هرچند به گفته این دیپلمات، «از یک سو باید منتظر نظر رسمی دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در کنوانسیون‌های حزبی که تابستان ۱۴۰۳ برگزار می‌شود، باشیم و در سوی دیگر باید دید که اگر نهایتا بایدن نامزد قطعی دموکرات‌ها شد، توان جسمی او به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پارامترهای تعیین‌کننده در مسیر انتخابات اجازه رقابت شانه به شانه با دونالد ترامپ یا هر فرد را خواهد داد یا خیر؟». ساداتیان با این خوانش، نگاهی هم به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۴ در ایران دارد و خاطرنشان می‌کند که «نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و پیروزشدن بایدن، ترامپ یا هر گزینه دیگری می‌تواند در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران مؤثر باشد»؛ چراکه به عقیده این نماینده مجلس چهارم، «انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا تأثیرات بین‌المللی دارد و هر کشوری به شکل مستقیم متأثر از آن خواهد بود». باوجوداین سفیر اسبق ایران در انگلستان در ادامه ارزیابی خود، تمرکز ویژه‌ای روی فضای داخلی کشور دارد و بر این باور است که «مهم‌ترین رقیب رئیسی برای ادامه کار در دور دوم، نه به نتیجه انتخابات آمریکا و نه حضور نامزد اصلاح‌طلب و اصولگرا؛ بلکه به کارنامه او بازمی‌گردد که به نظر ساداتیان تاکنون غیرقابل دفاع بوده است».

از این منظر، نماینده اسبق مجلس تصریح می‌کند که اگر عملکرد دولت سیزدهم در واپسین ماه‌های حیاتش به همین شکل ادامه پیدا کند، او بسیار بعید می‌داند که دولت رئیسی بتواند به دور دوم کشیده شود. دیپلمات پیشین کشور در ادامه تحلیلی که به «شرق» ارائه می‌دهد، روی نکته‌ای کلیدی دست می‌گذارد و به اعتقاد او، مهم‌ترین اتفاقی که می‌تواند امکان تک‌دوره‌ای‌شدن رئیسی را افزایش دهد، بالارفتن بهای حامل‌های انرژی و بنزین است که شایعه آن در چند ماه اخیر برای سال ۱۴۰۳ به گوش می‌رسد؛ به‌ویژه آنکه به گفته این استاد دانشگاه، دولت رئیسی نه‌تنها تکلیف بودجه ۱۴۰۳ را روشن نکرده؛ بلکه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه را هم هنوز به نتیجه نهایی نرسانده است.

با درنظرگرفتن این نکته، ساداتیان می‌گوید «اگر دولت رئیسی تصمیم به افزایش بهای انرژی بگیرد، مطمئنا تتمه نیروهای حامی او هم از بین خواهد رفت». در نتیجه سفیر اسبق ایران در انگلستان اعتراف و اذعان دارد که «حتی اگر دولت رئیسی بتواند فضای سیاسی، رسانه‌ای، اجتماعی و مردمی را بعد از افزایش احتمالی بهای انرژی کنترل کند، باز آثار و تبعات این اقدام، خود را در انتخابات ۱۴۰۴ نشان خواهد داد».

دولت رئیسی و تصمیم‌های سرنوشت‌سازی که در حوزه اختیاراتش نیست

با این حال فریدون مجلسی دیگر کارشناسی بود که در گفت‌وگو با «شرق» و برخلاف آنچه ساداتیان عنوان کرد، متذکر می‌شود که برخی تصمیم‌های سرنوشت‌ساز اساسا در حوزه اختیارات دولت‌ها، چه دولت رئیسی، روحانی یا هر فرد دیگری نیست. این دیپلمات پیشین کشور در تبیین و تشریح بیشتر نکته خود به موضوعاتی از قبیل تصمیم برای احیای برجام، لغو تحریم‌ها، تصویب لوایح باقی‌مانده اف‌ای‌تی‌اف، مذاکره با غربی‌ها و... اشاره دارد که از منظر او، هیچ‌کدام از آنها در دست رئیسی و اساسا دولت‌ها نیست.

این کارشناس حوزه بین‌الملل با تغییر زاویه نگاه خود، از منظر دیگری به موضوع تک‌دوره‌ای‌شدن یا نشدن دولت رئیسی ورود می‌کند و آن هم ناظر به آثار انتخابات ریاست‌جمهوری آبان‌ماه ۱۴۰۳ در ایالات متحده آمریکاست که او هم همسو با ساداتیان باور دارد که نتیجه آن می‌تواند روی تشدید یا تعدیل فضای تنش با ایران اثرگذار باشد. با درنظرگرفتن این نکته، مجلسی پررنگ‌ترشدن یا کم‌رنگ‌ترشدن تنش بین تهران و واشنگتن را ازجمله عواملی می‌داند که می‌تواند تبعات خود را روی فضای سیاسی ایران برای انتخابات ریاست‌جمهوری در ۱۴۰۴ داشته باشد.

این دیپلمات پیشین کشور هم «عدم قطعیت» را چاشنی تحلیل خود می‌کند و تأکید دارد که از هم‌اکنون نمی‌توان با قاطعیت از تک‌دوره‌ای‌شدن جو بایدن یا رئیسی سخن گفت و پیرو آن، معتقد است یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین کلیددار بعدی کاخ سفید، وضعیت جسمانی و فیزیکی جو بایدن در ادامه رقابت‌های انتخاباتی است. باوجوداین مجلسی فعلا کفه شانس ترامپ را برای بازگشت به کاخ سفید قدری سنگین‌تر از جو بایدن می‌داند؛ بنابراین به گفته این مفسر حوزه سیاست خارجی، «اگر دونالد ترامپ از آبان سال آتی به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی آمریکا روی کار بیاید، نه‌تنها تأثیرات مستقیمی روی وضعیت روانی اقتصادی و بازارهای ایران خواهد داشت؛ بلکه با شروع به کار رسمی او از ژانویه ۲۰۲۵ (دی‌ماه ۱۴۰۳)، زمینه و فضا برای تشدید تنش سیاسی و دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن فراهم خواهد شد و به دنبال رادیکالیزه‌شدن فضا، او شانس رئیس‌جمهورشدن گزینه‌ای از سوی اصلاح‌طلبان، مستقلین، معتدلین و میانه‌روها را کم‌رنگ می‌داند و این احتمال را می‌دهد که مجددا رئیسی در ۱۴۰۴، دولت دوم خود را تشکیل دهد».

البته مجلسی موضوع مدیریت دوره گذار را هم به‌عنوان سرفصل تازه تحلیلی خود مطرح می‌کند و با یادآورشدن این موضوع که اکنون ابراهیم رئیسی از حوزه خراسان جنوبی به مجلس خبرگان راه پیدا کرده است، بسیار بعید می‌داند که در نیمه راه از قطار ریاست‌جمهوری پیاده شود.

بایدن یا ترامپ، تفاوتی برای ایران ندارد

علی بیگدلی دیگر کارشناسی بود که از دو منظر با ارزیابی مطرح‌شده از سوی فریدون مجلسی و سیدجلال ساداتیان زاویه جدی دارد و در گفت‌وگو با «شرق»، نخست خاطرنشان می‌کند که «اگر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نهایتا به بازگشت دونالد ترامپ و پس از آن تشدید تنش میان ایالات متحده و ایران منجر شود، روی کار آمدن یک گزینه رادیکال در تهران فقط وضعیت را پیچیده، بغرنج و کنترل‌ناپذیر، غیرقابل مدیریت و بازگشت‌ناپذیر خواهد کرد»؛ به‌همین‌دلیل این استاد دانشگاه، مطمئن‌ترین و درعین‌حال کم‌خطرترین سناریو برای ایران را روی کار آمدن یک گزینه معتدل می‌داند که با آشنایی و اشراف کامل به حوزه سیاست خارجی و فنون و اصول مذاکره، قدرت لازم برای چانه‌زنی با طرف‌های غربی و به‌ویژه آمریکایی‌ها را داشته باشد». از منظر دوم، بیگدلی اذعان دارد که فرقی بین روی کار آمدن دونالد ترامپ یا جو بایدن برای ایران وجود ندارد؛ چراکه این تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا یادآور می‌شود «حتی اگر جو بایدن در انتخابات آبان ۱۴۰۳ به‌عنوان رئیس‌جمهور کار خود را در کاخ سفید ادامه دهد، دیگر روند چهارساله اول را تکرار نخواهد کرد و خبری از مماشات، انفعال و روند کج دار و مریز نخواهد بود». به گفته بیگدلی، «همواره مهم‌ترین اتفاقات، چه در قالب جنگ یا صلح در دولت‌های دوم رؤسای جمهور اتفاق می‌افتد که دیگر نگرانی بابت ادامه کار ندارند و با فراغ بال بیشتر سیاست‌های خود را عملیاتی خواهند کرد؛ بنابراین اگر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به ادامه کار جو بایدن منجر شود، او سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر و حتی انتحاری‌تری در برابر ایران از خود نشان خواهد داد»؛ کمااینکه از دید این تحلیلگر حوزه بین‌الملل، مشابه همین سیاست‌های سخت‌گیرانه در قبال جنگ اوکراین و روسیه و جنگ حماس و اسرائیل و فلسطینی‌ها انجام خواهد شد. بیگدلی، تکلیف سناریوی دوم یعنی روی کار آمدن دونالد ترامپ را روشن می‌داند که قطعا به تشدید تنش تهران و واشنگتن منجر خواهد شد تا جایی که به نظر او بخشی از التهابات کسب‌وکار کشور و فضای روانی و بازارهای ایران به دلیل نگرانی جدی درباره بازگشت ترامپ به کاخ سفید گواه این موضوع است.

دولت تک‌دوره‌ای در ایران، آری یا خیر؟!

با توجه به آنچه گفته شد در سرفصل دیگری از تحلیل‌ها، بیگدلی سراغ راه‌حل و راهکار برون‌رفت از بحران کنونی می‌رود و دو پیشنهاد را از تریبون «شرق» مطرح می‌کند؛ «نخست، استفاده حداکثری دولت رئیسی از بازه زمانی هشت‌ماهه فعلی تا زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در آبان ماه ۱۴۰۳ آمریکاست که مذاکرات جدی برای کاهش تنش با واشنگتن در دستور کار قرار گیرد و دومین اقدام روی کار آمدن یک دولت کارآمد و قدرتمند در بهار ۱۴۰۴ در تهران است که بتواند در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، معیشتی، دیپلماتیک، فرهنگی و اجتماعی منشأ اثر باشد».

چراکه به باور این استاد دانشگاه، «دولت رئیسی در سه سال اخیر ثابت کرده که نهایت توان او همین‌قدر است و بیش از این، نه دانش و نه توان مدیریت کشور را ندارد». بیگدلی بار دیگر متذکر می‌شود که «پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، چه با انتخاب بایدن همراه باشد یا ترامپ، فضا به شدت پیچیده و در عین حال حساس خواهد بود. لذا بهترین اتفاق را روی کار آمدن یک دولت معتدل و میانه‌رو می‌داند». اما فریدون مجلسی با زیر سؤال بردن این دو راهکار علی بیگدلی از منظر نخست، معتقد است که در بازه زمانی هشت‌ماهه تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا فرصتی برای مذاکره میان تهران و واشنگتن وجود ندارد و با در نظر گرفتن اتفاقاتی مانند عملیات طوفان‌الاقصی و جنگ حماس و اسرائیل دیگر تمایلی هم از سوی دولت بایدن دیده نمی‌شود. مجلسی، راهکار دوم بیگدلی درخصوص روی کار آوردن یک دولت میانه‌رو در ایران را هم اگرچه اقدامی مثبت و دوراندیشانه روی کاغذ می‌داند، اما به گفته او انطباقی با واقعیت‌های میدانی در تهران ندارد. با این حال بیگدلی روی راهکارهای خود تأکید و اصرار دارد و معتقد است که اتفاقا در هشت‌ماهه پیش‌رو فرصت برای مذاکره با آمریکا وجود دارد، مشروط بر آنکه تهران در مسیر کاهش تنش با نیروهایی در سوریه، عراق، لبنان و یمن حضور یابد که می‌تواند یک پالس مثبت به واشنگتن باشد و بسترهای اولیه برای مذاکره را قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری آبان ماه ۱۴۰۳ در آمریکا فراهم خواهد کرد و به گفته بیگدلی، همین مذاکرات اولیه می‌تواند پس از روی کار آمدن جو بایدن یا دونالد ترامپ به عنوان یک «ضربه‌گیر» عمل کند. اما ساداتیان نیز همسو با فریدون مجلسی و با نادرست‌دانستن گفته‌های علی بیگدلی، ارجاعی به تجربه برجام دارد و معترف است که «حتی اگر تهران بستر اولیه برای مذاکره را فراهم کند به‌مثابه ضربه‌گیر عمل نخواهد کرد، چراکه ترامپ می‌تواند همه آنها را نادیده بگیرد، همان‌گونه که از برجام با پشتوانه قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل خارج شد».

ترامپی در کار نیست؟!

محسن جلیلوند دیگر کارشناسی بود که در گفت‌وگو با «شرق» و برخلاف آنچه علی بیگدلی، فریدون مجلسی و سیدجلال ساداتیان عنوان داشتند، کفه شانس جو بایدن برای پیروزی در انتخابات را سنگین‌تر از دونالد ترامپ می‌داند و با اذعان به وضعیت نامناسب فیزیکی و جسمی جو بایدن، معتقد است که تصمیم‌گیر نهایی درخصوص انتخابات آمریکا ساختار فرااقتصادی است نه کارتل‌های اقتصادی که تمایل به ترامپ دارند. پیرو آنچه گفته شد جلیلوند در ارزیابی کاملا متفاوت به دو تابوی سیاسی در ایران و آمریکا اشاره دارد که احتمال رنگ‌باختن آنها وجود دارد. نخست ریاست‌جمهوری یک زن در آمریکا که به گفته وی پیش‌تر با هیلاری کلینتون آغاز شد و اکنون به کامالا هریس رسیده است. لذا این کارشناس معتقد است، اگر در مناظره‌های انتخاباتی بین معاونان اول جو بایدن و دونالد ترامپ، کامالا هریس بتواند موفق ظاهر شود حتی در صورتی که جو بایدن رئیس‌جمهور هم شود، امکان دارد به‌واسطه عدم توانایی جسمی‌اش، برای اولین بار ریاست‌جمهوری به یک زن در آمریکا سپرده شود.

جلیلوند، تابوی سیاسی دوم را ناظر به موضوع تک‌دوره‌ای شدن ریاست‌جمهوری در ایران می‌داند که به باور او طی سه سال اخیر با عملکرد دولت سیزدهم اکنون تابوی آن در ایران شکسته شده است و امکان آن وجود دارد که برای اولین بار شاهد دولت تک‌دوره‌ای باشیم، اما این مفسر حوزه سیاست خارجی مجموعه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را هم مدنظر قرار می‌دهد و معتقد است که در شرایط کنونی اگرچه تابوی دولت تک‌دوره‌ای ریخته شده، اما بعید به نظر می‌رسد که دولت رئیسی تک‌دوره‌ای بشود، چراکه با توجه سرمایه‌های سیاسی که برای دولت سیزدهم در ۱۴۰۰ هزینه شده است، باید رئیسی هشت سال خود را با هر کارنامه‌ای به اتمام برساند.

جلیلوند در سایه نکاتی که مطرح کرد، به اهمیت تأثیرات انتخابات ریاست‌جمهوری آبان ماه ۱۴۰۳ در آمریکا بر روند سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک ایران تمرکز می‌کند و به گفته وی، «هرچه به زمان برگزاری انتخابات نزدیک‌تر شویم افکار عمومی، رسانه‌ها و بازار در کشور با جدیت بیشتر و حساسیت بالاتری انتخابات را در آمریکا رصد خواهند کرد، کما اینکه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ هم مردم ایران به‌مراتب جدی‌تر از مردم آمریکا پیگیر انتخابات ریاست‌جمهوری و پیروزی جو بایدن یا دونالد ترامپ بودند و حتی آرای الکترال را ایالت به ایالت بررسی می‌کردند که از دید او نشان می‌دهد «تأثیر جدی روی کار آمدن رئیس‌جمهور در کاخ سفید بر روند تحولات در ایران تا چه اندازه پررنگ است». این کارشناس آمریکا را تنها «قدرت جهانی» می‌داند که نتیجه انتخابات آن به مراتب بالاتر و پررنگ‌تر از هر انتخاباتی است که تأثیر مستقیمی روی روند سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی دارد که البته به باور جلیلوند، این موضوع تنها مختص به ایران نیست بلکه در بیشتر کشورها یا حتی می‌توان گفت تمام کشورهای دنیا به شکل جدی انتخابات آمریکا رصد می‌شود، چراکه بر آینده آنها اثر پررنگی دارد. او در مثالی، حکم رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج یا ماندن نیروهای ایالات متحده در عراق را به مراتب از حکم نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور این کشور (عراق) تعیین‌کننده‌تر می‌داند. لذا مردم عراق هم به مراتب جدی‌تر از انتخابات پارلمانی این کشور به انتخابات آمریکا چشم دوخته‌اند. با این خط تحلیل، جلیلوند کشورهایی مانند چین و روسیه را «قدرت‌های بزرگ» تعریف می‌کند، نه قدرت‌های جهانی و به همین دلیل انتخابات جاری ریاست‌جمهوری در روسیه که پیشاپیش نتیجه آن مشخص است یا انتخابات حزب کمونیست چین با جدیت انتخابات آمریکا که به زعم و باور وی، تنها «قدرت جهانی» است، پیگیری نمی‌شود. از این رو قطعا نتیجه روی کار آمدن جو بایدن یا دونالد ترامپ و تصمیمات آنها برای کل جهان حائز اهمیت است.

خبر

بیانیه کمیته منتخب رئیس‌جمهور برای بررسی حوادث سال ۱۴۰۱

بیانیه کمیته ویژه منتخب رئیس‌جمهور برای بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، منتشر شد. بنا بر اعلام دبیرخانه دائمی کمیته ویژه منتخب رئیس‌جمهور برای بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، «حسین مظفر» رئیس این کمیته بیانیه‌ای منتشر کرده که بخشی از متن آن در روزنامه و متن کامل در بخش آنلاین شرق منتشر می‌شود. وقوع ناآرامی‌های اجتماعی امروزه به بخشی از واقعیت زندگی روزمره جوامع در کل جهان تبدیل شده است. بر اساس گزارش برخی از مؤسسات پژوهشی بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ بیش از ۴۰۰ اعتراض مردمی گسترده در بیش از ۱۳۲ کشور روی داده است که ۲۳ درصد این اعتراضات بیش از سه ماه تداوم داشته‌اند. در این فرایند، اعتراضات مسالمت‌آمیز باید مورد حمایت قرار گیرند. طبعیتا چنانچه اعتراضات از وضعیت مسالمت‌آمیز خارج شده و مغایر با نظم، سلامت و امنیت عمومی باشند، کشورها تدابیری را برای کنترل اوضاع اتخاذ می‌نمایند. جمهوری اسلامی ایران در شهریور ماه سال ۱۴۰۱ با چنین وضعیتی روبه‌رو شد. به دنبال فوت خانم مهسا امینی در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، تجمع اعتراضی در اطراف بیمارستان کسری شهر تهران (محل فوت خانم امینی) شکل گرفت و در روزهای بعد به صورت پراکنده به برخی نقاط شهر تهران و تعدادی از شهرهای دیگر کشور سرایت نمود و متعاقبا با ورود برخی عوامل، اعتراضات از حالت مسالمت‌آمیز به خشونت کشیده شد. اگرچه در همان روزهای اولیه اغتشاشات، کمیته ویژه‌ای توسط وزارت کشور در ۹ آبان ۱۴۰۱ تشکیل و این کمیته، نتایج تحقیقات خود را به صورت تفصیلی ارائه کرد، اما رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصل مسئولیت‌پذیری اقدام مضاعفی را تدبیر نمودند و در ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ با صدور حکمی، کمیته ویژه‌ای را در سطح ملی و فرادستگاهی ایجاد کردند و مأموریت‌های مهمی را برای بررسی شفاف و بی‌طرفانه و جبران تضییع حقوق شهروندان و مأموران مجری قانون تعیین و همه دستگاه‌های مرتبط را نیز موظف به همکاری با آن نمودند. کمیته ویژه به محض تشکیل، انجام بررسی‌های جامع و بی‌طرفانه را در دستور کار قرار داد و نهایتا در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ گزارش کامل خود را در ۲۷۹ صفحه شامل ۱۷ پیوست به رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود. فرازهای اصلی این گزارش به شرح زیر است:

تشکیل کمیته ویژه

متعاقب صدور حکم رئیس محترم جمهور، کمیته ویژه به تشکیل دبیرخانه با حضور تعدادی نیروی انسانی با تخصص‌های مختلف از زنان و مردان از جمله (حقوقی، جامعه‌شناسی، زنان و کودکان، سیاسی، حقوق‌بشری، رسانه، مترجم، تحلیلگر، هماهنگی، تحقیق و بررسی، مصاحبه‌گر، پشتیبانی و...) مبادرت نمود. پس از راه‌اندازی دبیرخانه، کمیته ویژه نسبت به تشکیل کارگروه‌های تخصصی شش‌گانه بررسی و رسیدگی به شکایات، حقوقی، قضائی، علمی و پژوهشی، مصدومین و جان‌باختگان و بررسی خسارات با ترکیبی از صاحب‌نظران حقوقی، قضائی، دانشگاهی و کارشناسانی از مجموعه‌های غیردولتی و دولتی اقدام کرد. کمیته برای ایفای وظایف و مأموریت خود از روش‌های مختلفی استفاده نمود، از جمله: ایجاد سایت؛ دریافت گزارش یا شکایت؛ مکاتبه با دستگاه‌های ذی‌ربط برای درخواست گزارش یا بررسی موضوعات؛ انجام مصاحبه؛ انجام بازدیدهای میدانی؛ تحقیق؛ استماع و تجزیه و تحلیل و ارزیابی اطلاعات؛ شناسایی قربانیان و ناقضان ادعایی با دریافت گزارشات (از طریق سایت، صندوق پستی اختصاصی، نمابر، ایمیل، مراجعه حضوری، بازدید از زندان‌ها و انجام سفرهای استانی و دیدار با برخی آسیب‌دیدگان) و بررسی‌های دبیرخانه کمیته. کمیته تدابیر لازم برای حمایت از شهود و قربانیان را اتخاذ نمود. تمامی اظهارات، گزارشات و مستندات آنان صرفا نزد دبیرخانه کمیته محفوظ مانده است. کمیته در جمع‌آوری اطلاعات، توجه ویژه‌ای به مستندسازی منابع (قربانیان، شهود، اطلاعات رسانه‌ای و منابع باز، اطلاعات و گزارشات دریافتی از دستگاه‌های اجرائی و سازمان‌های غیردولتی) داشته است.